

مسجد، خانه خدا و محل عبادت، برترین و شریف‌ترین مکان زمین است. مرکز اتصال قلب و روح به محبوب حقیقی و محل شنیدن دعوت حضرت دوست به سوی خیر و کمال است. مسجد، آبادکننده دل، تصفیه‌کننده جان، و مرکز تجلی انوار ربوبی بر قلب مؤمنان است. مسجد، خانه هدایت و مرکز تربیت، و جایگاه اهل معرفت و محل سوز و گداز عاشقان حقیقی است. مسجد، مأوای خردمندان، خانه برکت مستمندان، و مکان مناجات دردمندان و سرزمین برآورده شدن حاجت حاجتمندان است. مسجد، خانه قرآن، مدرسه عشق، مکتب بینش و محل گرفتن فیوضات ربانیه از عالم قدس است.

مسجد، پلی به سوی بهشت، و راهی به سوی فضیلت، و طریقی به سمت هدایت است. مسجد، مکانی است که عبادت و بندگی در آن، افضل و برتر از تمامی مکان‌هاست و آباد نگاه داشتن آن، از بزرگ‌ترین عبادات است.

خدا مراد سلیمیان

پلی به سوی بهشت

«مسجد جایگاه بسیج عباد خدا برای عبادت و خدمت به خلق، برای امر به معروف و نهی از منکر، برای حل مشکلات مسلمین، و برای آمادگی جهت جهاد و مبارزه با دشمنان خدا و انسانیت است. مسجد مرکزی است که امروز قدرش مجهول است، و فردای قیامت برای آنان که حقش را ادا نکردند عامل بزرگ‌ترین اندوه و حسرت، و واسطه شرمساری و خجالت در پیشگاه حضرت دوست است.»^(۱)

از مسجد خورشید ایمان طلوع می‌کند و چشمه‌های هدایت و رحمت جاری می‌شود. آنان که از همه زودتر وارد مسجد شوند، فردای قیامت پرچمداران اهل بهشت خواهند بود و پیش از همه وارد بهشت، محل لقاء دوست خواهند شد.

راستی چه مأوایی امن‌تر از خانه دوست، آنگاه که همه عَلم دشمنی بر دوش گیرند، گرمای جان‌سوز بی‌خودی‌ها در عصر بیگانگی، امان همه را ببر، هیچ سایه سار رحمتی به امنی شبستان خانه دوست نیست.

عارفی وارسته گوید: «اگرچه زمین مسجد قرار داده شده و به جای آوردن نماز در همه جای زمین جایز است، ولی در عین حال، سفارش بسیاری شده که مسلمانان بسیار به مسجد رفت و آمد کنند و نمازهای واجب را در آنجا به پا دارند، به ویژه برای همسایگان مسجد که سفارش ویژه شده است.» پس ادب در این است که بنده به خانه مولی رفته در آنجا با او سخن گوید که این متنی بس بزرگ از سوی خداوند است بر بندگان که ایشان را به خانه خویش دعوت کرده است.

گرچه تمام زمین از آن پروردگار است ولی از آن‌رو، مساجد را خانه خویش خوانده تا در آنجا با میهمان آن کند که ما در خانه خود با میهمان می‌کنیم. یعنی ذات اقدس محبوب مسجد را محل ملاقات خود، محل انس و زیارت خویش قرار داده است. و با بندگان و زائران خود در این محل به گونه‌ای خاص معامله می‌کند.



«چه نیکوست وقتی آهنگ مسجد می‌کنیم، همت خویش را در شناخت صاحب‌خانه قرار دهیم، و در حد امکان، آداب حضور را رعایت کنیم که این در قرب و نزدیکی به صاحب‌خانه بسیار مؤثر و کارآمد است. به راستی بنگریم که در حضور پروردگار رفتارمان چگونه است؟ با رعایت ادب حضور است که درهای قبول به رویمان گشوده می‌شود.»^(۲)

از امام صادق علیه السلام در این باره روایت شده است که فرمودند: «هرگاه به درب مسجد رسیدی پس بدان که تو آهنگ سلطانی بزرگ و ملکی عظیم نموده‌ای که بر بساطش جز پاکیزه‌شدگان، دیگری پای ننهد، و برای مجالست او جز صدیقان و راست‌کرداران رخصت داده نشود و آن‌گاه که بر بساط او قدم نهی، بدان که اگر اندک غفلتی از تو سر بزند در خطری عظیم و پرتگاهی سهمگین قرار گرفته‌ای... پس در پیشگاه او به عجز و تقصیر و فقر خود اعتراف نما، چرا که تو قصد عبادت و انس با او نموده‌ای و اسرار او را بر او عرضه نما و بدان که پنهان و آشکار همه مخلوقات را او می‌داند و ذره‌ای بر او پوشیده نیست... پس اگر حلاوت مناجات با او را چشیدی و از گفت‌وگوی با او احساس لذت نمودی و از جام رحمت و کرامت او چشیدی، این نشانه حسن اقبال او بر تو و اجابت دعوت از سوی اوست. بدان که برای خدمت او شایسته هستی، پس داخل مسجد شو که اذن و امان به تو داده شده است...»^(۳) و این یکی از آثار حضور در مسجد است. که برکات این دیدار بی‌مانند است و بی‌شمار.

مولای موحدان علی علیه السلام پاره‌ای از این آثار را این‌گونه بیان می‌فرماید: «انسانی که به مساجد رفت و آمد می‌کند، دست کم یکی از امور هشت‌گانه ذیل نصیب او می‌شود: اول: برادری ایمانی که در مسیر خداوند از او استفاده کند. دوم: علم و دانش نو و تازه. سوم: فهم و درک آیه‌ای از آیات قرآن. چهارم: شنیدن سخنی که او را به هدایت رهنمون کند. پنجم: رحمتی که

انتظار آن را از جانب خداوند می‌کشد. ششم: سخنی که او را از گمراهی و هلاکت باز دارد. هفتم: ترک گناه به سبب روح خشیت و خداترس که در سایه رفت و آمد به مسجد به قلب او وارد شده. هشتم: ترک گناه به خاطر حیا از برادران ایمانی خود که در مسجد با آنان آشنا شده است.»^(۴)

هیچ انسانی در زندگی اجتماعی خویش از دوستان خوب، بی‌نیاز نیست. دوست خوب، معین و یاور انسان در طی راه سعادت و کمال و یار و غمخوار او در عرصه بروز مشکلات و سختی‌هاست. بنابراین، مسأله دوست‌یابی و این‌که انسان، دوستان صمیمی و همدل خویش را از میان چه افرادی برگزیند، از اهمیت خاصی برخوردار است. یکی از مراکزی که در روایات، به عنوان کانون دوستان‌یابی مطرح شده، مسجد است.^(۵)

حضور در مسجد، مایه آبادانی و عمران معنوی آن می‌شود که

خداوند متعال در قرآن به آن اشاره فرموده است: «مساجد خدا را تنها کسانی آباد می‌کنند که به خدا و روز باز پسین ایمان آورده و نماز برپا داشته و زکات داده و جز از خدا نترسیده‌اند، پس امید است که اینان از راه یافتگان باشند.»^(۶)

آبادکنندگان مساجد و کانون‌های پرستش و عبادت پنج شرط مهم و اساسی دارند که عبارت است از: ایمان به خدا و روز رستاخیز «من آمن بالله و باليوم الآخر»

این دو شرط جنبه اعتقادی و زیربنایی دارد و تا این شرط محقق نشود، هیچ عمل شایسته و خالصی از انسان سر نمی‌زند، بلکه اگر ظاهراً هم شایسته باشد، در باطن آلوده به انواع غرض‌های ناپاک خواهد بود. بعد به شرط‌های سوم و چهارم اشاره کرده و می‌فرماید: «و نماز را برپا دارید و زکات بدهید.»

یعنی ایمان به خدا و روز رستاخیز تنها در مرحله ادعا نباشد، بلکه با اعمال پاک خود آن را تأیید کند، هم پیوندش با خدا محکم باشد و نماز را به درستی انجام دهد، و هم پیوندش با خلق خدا، و زکات بپردازد. سرانجام، به آخرین شرط اشاره کرد، می‌فرماید: «و جز از خدا نترسید.»

این جمله نشان می‌دهد که عمران و آبادی و نگهداری مساجد، جز در سایه شهامت و شجاعت ممکن نیست. هنگامی که این مراکز مقدس اسلامی به صورت کانون‌های انسان‌سازی و کلاس‌های عالی تربیت درمی‌آیند، که بنیانگذاران و پاسداران شجاعی داشته باشند، آن‌ها که از هیچ کس جز خدا هراسی ندارند و تحت تأثیر هیچ مقامی و قدرتی قرار نمی‌گیرند، و برنامه‌ای جز برنامه‌های الهی در آن پیاده نخواهند کرد.^(۷)

همان‌طور که ذکر شد، امروز آنچه بیش‌تر اهمیت دارد، عمران و آبادی معنوی مساجد است و به تعبیر دیگر باید بیش از آنچه به ساختن بنای آن توجه کنیم، به ساختن افرادی که اهل مسجد و پاسدار مسجد و حافظان آنند اهمیت دهیم.

مسجد باید کانونی باشد برای هرگونه حرکت و جنبش سازنده اسلامی در زمینه آگاهی و بیداری مردم و پاکسازی محیط و آماده ساختن مسلمانان برای دفاع از میراث اسلام. به ویژه باید توجه داشت که مسجد باید بیش از پیش مرکزی برای جوانان مؤمن گردد. جوانان آینده‌سازان جامعه اسلامی هستند.

از موهبت‌های بزرگ الهی برای یک فرد این است که در دوران جوانی مزه شیرین عبادت را بچشد و آگاهانه به عبادت خدای قادر متعال اشتیاق ورزد. بنابراین، باید پیش از آن‌که راهزنان دین و دنیا در مسیر راه، گوهر گران‌بهای حقیقت از دست جوانان و نوجوانان بریابند، والدین باید به مایه مادی و معنوی آنان اهتمام ورزند و آنان را محافظت نمایند. هرگز مباد که جوانی پندارد گناهکار است و حضور

مساجد خدا را تنها کسانی آباد می‌کنند که به خدا و روز بازپسین ایمان آورده و نماز برپا داشته و زکات داده و جز از خدا نترسیده‌اند، پس امید است که اینان از راه یافتگان باشند.

در خانه خدا و اقامه جماعت او را فایده‌ای ندارد که در روایت است: «جوانی از انصار نمازهای یومیه را با پیامبر اکرم ﷺ به جماعت می‌خواند و گناهانی را نیز مرتکب می‌شد، چون حال او را برای رسول خدا تعریف کردند. حضرت فرمود: «به زودی نمازش او را از گناهش باز می‌دارد. «چیزی نگذشت که آن جوان توفیق توبه یافت و از صحابه زاهد شد.» (۸)

در آیین مقدس اسلام، تربیت نسل جوان براساس احیاء تمایلات فطری و هدایت همه خواهش‌های طبیعی استوار است. پیامبر اسلام و ائمه معصومین علیهم‌السلام تمام تمنیات مادی و معنوی جوانان را مورد توجه قرار داده‌اند و در ضمن تعالیم اعتقادی و اخلاقی و عملی خود، همه آن‌ها را با هم موزون و هماهنگ ساخته و هر یک را به اندازه‌گیری صحیح و در جای خود ارضا کرده است. جوانی که در مکتب آسمانی اسلام تربیت می‌شود و جسم و جانش با تعالیم الهی پرورش می‌یابد، انسان واقعی است و در زندگی از تمام مزایای سعادت و خوشبختی برخوردار است.

اسلام، برنامه پرورش ایمان و اخلاق را که یکی از ارکان اساسی تربیتی جوانان است بر اساس تمایلات فطری آنان و بر اساس نیازهای اساسی‌شان تنظیم کرده است. جوانی که با برنامه اسلام تربیت می‌شود، دارای سرمایه ایمان و اخلاق است و جز به پاکی و نیکی فکر نمی‌کند. وی با اتکا به خداوند بزرگ، روحی مطمئن و آرام دارد و در مقابل پیشآمدهای زندگی، خود را نمی‌بازد و شخصیت معنوی خود را از دست نمی‌دهد او مددکار فعال است و

هرگز از انجام وظایف خویش شانه خالی

نمی‌کند. از تمام لذایذ زندگی

به طور مشروع و به قدر

صلحت

برخوردار

است و

چه جایی بهتر از مسجد برای تحقق این تربیت. بزرگ‌ترین مربی اسلام حضرت ختمی مرتبت به جناب ابوذر فرمود: ای اباذر! هیچ جوانی ترک دنیا و لذایذ آن نمی‌کند، و جوانی خویش را در طاعت و عبادت پروردگار بزرگ صرف نمی‌نماید، مگر آن که خداوند اجر و پاداش هفتاد و دو صدیق به او عطا می‌فرماید. (۹)

سعدی در اشعار لغزش چنین گوید:

جوانا ره طاعت امروز گیر

قضا روزگاری زمن در ربود

من آن روز را قدر نشناختم

به غفلت بدادم ز دست آب پاک

مکن عمر ضایع به افسوس و حیف

که فردا جوانی نیاید زپیر

که هر روزش از پی شب قدر بود

بدانستم اکنون که در باختم

چه چاره کنون جز تیمم به خاک

که فرصت عزیز است و الوقت ضیف

.....بی‌نوشت‌ها

۱. حسین انصاریان، عرفان اسلامی، انتشارات پیام آزادی، ج ۴، ص ۲۷۴

۲. میرزا جواد آقا ملکی تبریزی، اسرار الصلوة، پیام آزادی، ص ۱۶۷

۳. پیشین به نقل از مصباح الشریعه

۴. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، دارالکتب الاسلامیه، ج ۱، ص ۱۵۳

۵. رحیم نوبهار، سیمای مسجد، ج ۱، ص ۳۰

۶. سورة توبه / آیه ۱۸

۷. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، ج ۷، ص ۳۱۵

۸. محمدحسین طباطبائی، المیزان، ج ۱۶، ص ۱۴۲

۹. شیخ طبرسی، مکارم الاخلاق، ج ۲،

ص ۴۷۱